ایرج راد:

دریافت مالیات از هنرمندان اثرات مخربی بر جامعه هنری می‌گذارد

عضو شـورای عالی هیات رئیسه خانه هنرمندان ایران با تاکیـد بر نیاز حوزه فرهنگ و هنر برای حمایت همه جانبه و نگاه درآمدی به این حوزه، تصریح کرد: دریافت مالیات از هنرمندان اثرات مخربی بـر جامعه هنری به دنبال خواهد داشت. به گزارش ایرنا، ایرج راد در نشست رسانه‌ای هیات رئیسه شورای عالی خانه هنرمندان ایران در محل این خانه با تشـریح موضوع طرح اخذ مالیات بر درآمد از هنرمندان، گفت: در موضوعی که اخیـرا درباره معافیت مالیاتی پیش آمده است، سقف ۲۰۰ میلیون تومان درآمد سالانه را تعریف کرده‌اند، یعنی حدود ۱۶ میلیون تومان ماهانه؛ مگر درآمد هنرمند، دائمی اسـت که این نگاه به درآمد این قشر شده است.

وی ادامه داد: هنرمند در طول سـال تمام تلاشش این است که کار کند، ممکن است سالی درآمدی داشته باشد اما سال بعدی آن هیچ کاری نداشته باشد و بدون درآمد باشد.

به گفته رئیس خانه تئاتر ایران، به عنوان مثال، شـاید هنرمند تئاتر در یک سال کار تئاتر و فیلم و دوبله و... کرده باشـد و ۳۵۰ میلیون تومان درآمد داشـته باشد. اما طی سـال‌های بعد ممکن است اصلا کار نکند. آیا سال‌های بعد اداره دارایی حقوق بیکاری او را پرداخت می‌کند؟

راد اظهار داشت: هنرمندان یک دوران طلایی و معمولا یک دهه فعالیت دارند. عضو هیات رئیسه شورای عالی خانه هنرمندان با تاکید براینکه باید تحقیق و بررسـی شـود و ارزیابی کرد که اگر مالیات حذف شـود بهتر اسـت یا نه؟، گفت:شاید سـلبریتی‌ها فقط درآمد بالا (مثلا یک میلیارد تومان در ماه) داشـته باشند که آن هم در یک سال چیزی نیست. آیا ارزش دارد فشار اینچنینی به دیگر اعضای حامعه هنری هم وارد شود؟

رئیس خانه تئاتر ایران خاطرنشان کرد: برای اینکه یک تئاتر روی صحنه برود، ۲۹ درصد برای سـالن، ۵ درصد به بلیط فروشـی، ۹ درصد مالیات بـر ارزش افزوده پرداخت می‌شود. یعنی همه‌اش مالیات است.

راد افزود: ما غیرانتفاعی هسـتیم و اکثر هنرمندانی که در جاهای مختلف کار می‌کنند، حقوق بگیر نیسـتند. مثلا شـورای عالی خانه هنرمندان حقوقی دریافت نمی‌کنند و کارشان داوطلبانه است. اما به این توجه نمی‌شود که دریافت مالیات چه اثرات مخربی بر جامعه هنری دارد.

این هنرمند پیشکسـوت سـینما و تئاتر کشور در عین حال تصریح کرد: برخی متاسفانه هنوز به بازیگران به چشم مطرب نگاه کرده و طوری وانمود می‌کنند که انسـان‌های موجهی نیستند، اگر موجه نیستند، چرا رشته‌های دانشگاهی و ارزشیابی هنرمندان را قائل شده اید؟

رئیس هیات مدیره خانه تئاتر با انتقاد از اینکه چرا کلمه هنر در عنوان «وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی» وجود ندارد؟ خاطرنشان کرد: در دیداری با رئیس جمهور پیشین از او سـؤال شـد آیا معاون هنری دارید؟ و پاسخ داد خیر. سوال این است اگر چنین معاونتی وجود داشت شاید امروز اوضاع هنر بهتر بود و شاهد این موارد نبودیم.

اکران خط قرمزهای فیلمی با بازی تنابنده

ابراهیم ایرج‌زاد درباره انتخاب محل فیلمبرداری و لوکیشـن این اثر گفت: با وجود اینکه ماجرای این فیلم در مشـهد رخ داده اسـت اما اجازه فیلمبرداری در این شـهر را نداشتیم و فقط سعی کردیم با تمرکز بر لهجه بازیگران، این فضا به صورت غیرمسـتقیم به مخاطب منتقل کنیم. به گزارش ایسنا، ابراهیم ایرج‌زاد کارگردان «عنکبوت» در مراسـم اکران خصوصی این فیلم که در پردیس شـمیران برگزار شـد، پیش از نمایش این فیلم با بیان اینکه «از سـال ۹۶ تصمیم به ساخت این اثر گرفتیم اما از همان ابتدا با چالش‌هایی مواجه شدیم» بیان کرد: جواد نوروزبیگی و محمدصادق رنج‌کشان ریسک بزرگی برای سرمایه‌گذاری در این پروژه انجام دادند، به همین دلیل از آنها قدردانی می‌کنم زیرا احتمال توقیف و عدم نمایش این اثر کم نبود. این کارگردان با بیان اینکه «ماجرای این فیلم در مشـهد و حدود ۲۰ سـال پیش رخ داده» مطرح کرد: از همان ابتدا برای ساخت این فیلم اجازه فیلمبرداری را در این شـهر به ما ندادند و علاوه بر آن در ادامه هر چیزی که به مشهد ارتباط پیدا می‌کرد، خط قرمز پروژه ما بود. این درحالی است که من خودم هم اهل مشهد هستم. ایرج‌زاد درباره انتخاب لوکیشینی متناسب با فضای این فیلم توضیح داد: باید به دنبال لوکیشن‌هایی می‌رفتیم که شهر دیگری را نمایندگی نکند و اجازه اسـتفاده از لهجه مشهدی نداشتیم تنها تمرکز ما بر بازیگران بود و سعی کردیم آوا و آهنگ کمرنگی را در صدای خود ایجاد کنند که در گوش مخاطب اشاره غیرمستقیم شود.

محدود شدن ادبیات دینی به احادیث و رویدادها

مصطفی رحماندوسـت می‌گوید: ادبیات دینـی به احادیث و رویدادهای تاریخی محدود شده، این‌ها ادبیات نیست و این موارد نوعی اطلاع‌رسـانی است. به گزارش ایسـنا، این شاعر و نویسنده کـودک و نوجوان درباره ادبیات دینی کودک و نوجوان اظهار کرد: شاهد گریز از دین هستیم و اعتقادی ندارم که مقوله ادبیات کودک و نوجوانِ را به دو بخش دینی و غیردینی تقسـیم کنیم و سخن من کاملاً مبتنی بر دین اسـت، بچه‌ها آن‌طور که خدا گفته است به فطرت نزدیک هسـتند، هر چه از بهشت وجود و نیستان وجود بیشتر فاصله می‌گیرند که سن آن‌ها بالاتر رفته است، لذا اگر حرفی بزنیم که مقبول طبع آن‌ها که تازه از بهشت فاصله گرفته‌اند، شـود، حرف دینی زده‌ایم. او سپس گفت: تمام تلاش ادبیات کودکان، اگر قرار است بگوییم ادبیات دینی کودکان باید این باشد که بچه‌ها را به فطرت‌شان برگرداند و فاصله‌ای را که در طول عمر از فطرت می‌گیرند، جبران کند. خوشحالم به ادبیات دینی کودکان پرداخته شود که فاصله با فطرت را چندان به تاخیر نیندازیم و هم معتقدم ادبیات غیردینی کودکان شاید خیلی خیلی کم باشد. رحماندوست آوردن مفاهیم دینی و تاریخی در ادبیات کودک را محدود به بازنویسـی تاریخ و احادیث دانست و بیان کرد: متاسفانه ادبیات دینی به احادیث و رویدادهای تاریخی محدود شده، این‌ها ادبیات نیست و این موارد نوعی اطلاع‌رسانی است، خبری را می‌توان ساده‌تر کرد و می‌توان گفت اخباری مناسب بچه‌ها نیست و نباید به بچه‌ها آن اخبار را ارائه داد.

سیاوش طهمورث:

تئاتر زمینه‌ساز همه هنرهای نمایشی است

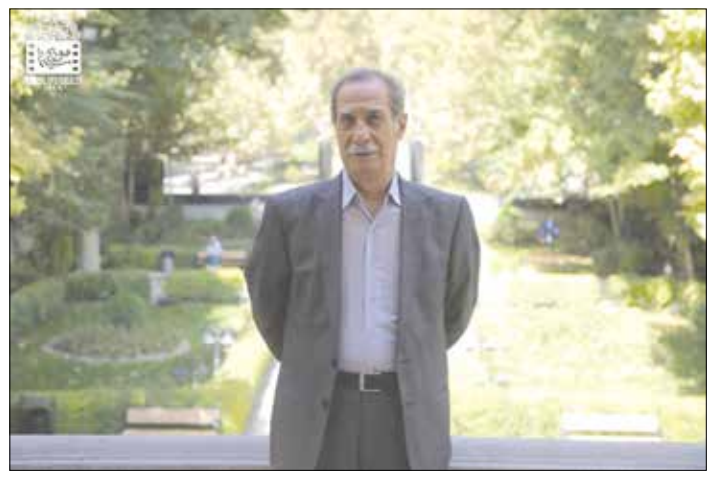

سیاوش طهمورث در گفتگویی از زندگی و کارهای هنرش گفت و در بخشی از آن یادآور شد که یک زمانی مداح بودم.

موزه سینمای ایران در ادامه انتشار سلسله نشست‌های تاریخ شـفاهی خود با «سیاوش طهمورث» بازیگر سـینما، تئاتـر و تلویزیون گفت و گو کرده است. بخش‌هایی از گفتگوی تاریخ شفاهی این هنرمند را منتشر کرده است که در زیر می‌خوانید.

به گزارش ایسنا، سیاوش طهمورث با بیان اینکه در تهران محله امیریه به دنیا آمده است گفت: زنـده یاد حبیب کاوش دوسـتم بود و در یک محله زندگـی می‌کردیم یادم می‌آید پول‌هایمان را جمـع می‌کردیم با هم بلیت ۶ ریالی می‌خریدیم و به سـینما می‌رفتیم و دو سه سانس فیلم پشت سرهم می‌دیدیم.

وی ادامـه داد: زنده یـاد «حبیب کاوش» به آموزشـگاه بازیگری می‌رفـت و هرچه یاد می‌گرفت به من که دو سال از او کوچکتر بودم نیـز یاد می‌داد و ما حتی تعزیه و نوحه خوانی هم می‌کردیم و من یک زمانی مداح بودم.

طهمـورث خاطرنشـان کـرد: روزی‌که می‌خواسـتم به اداره تئاتر در آب سردار بروم زمانـی بود که زنـده یاد عـزت الله انتظامی، زنده یاد جعفر والـی، علی نصریان هم حضور داشـتند. یادم می‌آید آقای والی به من گفت همه چیزهایی که تا به امروز یاد گرفتی را کنار بگذار از امروز باید از من یاد بگیری (با خنده) و من به او گفتم چشم و وارد گروه زنده یاد داوود رشیدی بنام گروه تئاتر امروز شدم.

وی ادامه داد: در سال ۱۳۴۹ پیتربروک به ایـران آمد و من برای کار با او انتخاب شـدم و در تمرین‌های ما آقایان آوانسیان و رشیدی نیز حضور داشـتند. جالب است بگویم که ما تمرین‌هایمان را در همین باغ فردوس که امروز در خدمت شما هستیم، شروع کردیم.

وی درباره اهمیت تئاتر، گفت: گاهی شنیده می‌شـود که ما به سـالن هم می‌گوییم تئاتر درحالیکه سـالن جایی است که تئاتر در آن اجرا می‌شـود باید توجه داشته باشیم که تئاتر با نمایش فـرق دارد و تئاتر روی صحنه شـکل می‌گیرد. از برخورد دو فکر، ایده، خرد، دانـش و دیدگاه تئاتر ایجاد می‌شـود که هم سـرگرم کننده، معانی دهنده و هم درگرگون کننده اسـت اما نمایش تنها سـرگرم کننده است.

طهمـورث درباره علاقمنـدان به بازیگری بیان داشت: کسـانی که می‌خواهند وارد کار تصویری سینما و تلویزیون شوند باید تئاتر کار کرده باشند زیرا تئاتر زمینه ساز همه هنرهای نمایشی است. وقتی تئاتر کار می‌کنید حداقل باید حداقل نیم سـاعت بر روی صحنه حضور داشـته باشید و در تمام این مدت باید کارکتر را حفـظ کنیم. در تئاتـر بازیگر دقیقا زندگی می‌کند اما جلـوی دوربین فیلمبرداری بدین شکل نیست زیرا چندین بار ممکن است یک سـکانس تکرار شود. در تئاتر با نفس تماشاگر در ارتباط هستیم و تخیل و فکر تماشاگر را به کار می‌اندازیم اما در سینما بدین شکل نیست و لذت تئاتر بیشـتر از فیلم است زیرا با توجه به شـخصیتی که ایفا می‌کنید با تماشاگر در ارتباط هستید و واکنش‌های آنها را می‌بینید.

ی با اشـاره به همـکاری خود بـا داوود میرباقری گفت: یادم می‌آید فردی آمد و گفت در کار آقای میرباقری بازی می‌کنی و من هم پذیرفتم و دو نقش سـاواکی و گورکن را بازی می‌کردم که دو بازی متفاوت بود. بعد از آن در سـریال آیینه بازی کردم و در «گرگ‌ها» که بازیگر و مشاور کارگردان بودم.

طهمورث با بیـان اینکه زنـده یاد «علی حاتمی» کارگردان بسـیار خوب و موفقی بود، افزود: حاتمی در کارنامه کاری خود هزاردستان و مـادر را دارد که شـاهکار بودنـد. روزی‌که هزاردستان را می‌ساخت درجایی من را دید و گفت همه بازیگران در فیلم من هسـتند و تو چرا حضور نداری و من به او گفتم اگر قسمت باشد در خدمت هستم که متاسفانه این اتفاق نیافتاد.

وی ادامه داد: در فیلم سینمایی «گاو» مدتی دسـتیار داریوش مهرجویی بودم فیلم بسیار درخشانی بود وهمه بازیگرهای تئاتری در این فیلم حضور داشتند. مهرجویی برای فیلم اجاره نشین‌ها از من دعوت کرد ، فیلمنامه را خواندم و قبول کردم زیرا من بـه داریوش مهرجویی معتقد هسـتم. او کارگردان بسیار خوبی است که فلسفه سینما، لنز و کنش و واکنش بازیگر را به خوبی می‌شناسـد اینها مواردی است که هر کارگردانی نمی‌داند اما کارگردان‌هایی مثل داریـوش مهرجویی و ناصـر تقوایی به خوبی می‌شناسند.

طهمورث بیان داشـت: خیلی دوست دارم بازیگری که در مقابل من قرار می‌گیرد بازیگر بسـیار توانایی باشد زیرا توانابودن او من را هم توانا می‌کند و موجب می‌شود کار بسیار خوبی را عرضه کنیم.

وی با اشـاره به سـریال «زیر تیغ» گفت: نقشـم در این سـریال را باور داشتم البته به خاطر سرسـختی‌های نقش شاهد ناسزاهایی هم بـودم (با خنده) اما با این‌حال مردم من را دوسـت داشتند و در کوچه و خیابان بسیار به من احترام می‌گذاشتند. با تمام این تفاسیر باور کرده بودم که باید با این نقش زندگی کنم و به این دلیل برایم لذت بخش بود که شخصیتی شـکل گرفته که در در آدم‌های اطرافت و در جامعه نیز می‌بینی.

طهمـورث بـا بیـان اینکه عرصـه هنر مشـکل‌ترین حرفه است، بیان داشت: ورود به آن آسـان است اما برای دوام آوردن ، بازیگر و هنرمند شدن باید خیلی خاک خورد و زحمت کشید.

نگاهی به فیلم «بی همه چیز»

حمله به دموکراسی

رویا سلیمی

فیلم سینمایی «بی همه چیز» با اقتباسی از نمایشـنامه کمدی- تـراژدی «ملاقات با بانوی سـالخورده» نوشته فردریش درونمات سـاخته شـده اسـت. هنر اقتباس متن را از آنچه که هسـت چنـد گام یا حداقل یک گام به پیـش می‌برد. اما «بی همه چیز»، در کنار اینکه اقتباسـی ناموفـق از متن اصلی محسوب می‌شود؛ اثر را به متنی بی روح، بی زمـان و مکان و بدون کارکـرد تبدیل کرده اسـت. به نظر می‌رسـد بخش‌هایی از متن اصلی گزینش شـده که قصـد دارد قصه‌ای جهانشـمول را روایت کند. اما فیلم بی همه چیز، اثر را بـه متنی الکن و فاقد جهان‌بینی مشخص تبدیل کرده است. این امر در شیوه روایت نیز به خوبی قابل تعمیم اسـت. متن اصلی روایتی کمدی را آغاز می‌کند و در انتها به یک تراژدی موثر تبدیل می‌شـود. اما در فیلـم، این لحن‌ها در روایـت حضور ندارند. برخورد اثـر با متن، برخـوردی گنگ و بی پایه است. شـخصیت‌ها گویی منفک از متن و جهانی هسـتند کـه در آن حضور دارند و حس همدردی یا قرابتی بـا مخاطب برقرار نمی‌کنند، ضمن اینکه شناخت صحیحی هم از آنها در طول روایـت طولانی فیلم حاصل نمی‌شود.

در متن اصلی، شخصیت کلرزا خاناسیان کـه پیرزنی متمـول، انتقام‌جـو و پر کینه و خشـن اسـت؛ در دیالوگ‌های خشـک و کوبنده خود، به راحتـی قصدش را از آمدن بـه زادگاهش بیان می‌کنـد و در برخورد با اهالی شـهر، کاملا نگاه رعیت‌مآبانه به مردم دارد. آنهـا را تحقیـر می‌کند و بـا تندی و خشونت پیگیر خواسته خود است. کشمکش و درگیری میان مردم در مواجهه با تصمیمی حیاتی او، بسـیار دراماتیک و با طنزی تلخ و گزنده مطرح می‌شـود. اما در فیلم بی همه چیز، لی لی با بـازی هدیه تهرانی تبدیل به زنی جـذاب، محترم و موقری می‌شـود که خواسته‌اش را پنهانی آن هم به شهردار شهر اعلام می‌کند. حتی در برخوردش با کاراکتر امیر با بازی پرویز پرسـتویی در سکانس دوم و صحنه قبرسـتان، همراه با احترام، خجالت و حیا اسـت. در پلان دونفره ابتدای فیلم، در خلوت پس از سـال‌ها نیز، لـی لی از او ابراز تنفر یا انزجار نمی‌کند. در واقع، تا نیمه فیلم مخاطب سردرگم است که چرا لی لی چنین درخواسـتی از مردم دارد. این سـردرگمی زمانی شدت می‌گیرد که در شخصیت‌پردازی کاراکتـر مرد قصـه، او هیچ نشـانه و کدی مبنی بر درسـتی ادعای لی لی ندارد. حتی در مواجهـه با ادعـای مطرح شـده، چنان برآشفته می‌شـود که مخاطب بی گناهی او را تایید می‌کنـد. در حالیکه در نیمه پایانی فیلم مشخص می‌شـود مرد بی‌گناه نیست. شخصیت‌های منفک از جهان داستان، حتی نقش درسـتی در رابطه با موقعیت نمایشی خود ندارند. کنش‌های بی منطق یا اشتباهی که برای آنها تعریف شـده، نه تنها به بسط و گسترش شخصیت آنها در طول فیلم کمکی نمی‌کند، بلکه در بسیاری از موارد متناقض و بی کارکرد است. ضمن اینکه مسیر پیگیری داسـتان را برای مخاطب مختـل کرده و او را در میانـه روایـت رها می‌کند و بـا سـوالات بسیاری را در ذهن او می‌کارد و علت بسیاری از کنش‌ها را ناگفته رها می‌سازد.

امـا آنچه که در مـورد روح اثر دورنمات مطرح می‌شـود و آنچه که در پـرده پایانی □در متـن اصلی- بر آن تکیـه دارد، تعریف اهالی شهر برای مجازات ایل با الفاظی مانند عدالت و برقراری عدل بر پایه اصول انسـانی و وجدان جمعی اسـت. آنها برای رسیدن به ثروت بادآورده بانوی سالخورده و برای توجیه رفتار خود با ایل، اسـم انتقام را به عدالت و توجه به وجدان تغییر می‌دهند و حماسه‌گون دسـت به جنایتی می‌زنند که رنگ عدالت بر خود می‌گیرد.

امـا فیلـم «بی همـه چیز» بـا نمایش رای‌گیری عمومـی و اتفاق نظر جمعی برای رسـیدن به این تصمیم، رفتار جمعی مردم را بی‌منطق می‌کند. اینکه آنها باید برای این جنایـت به توافق برسـند و در نهایت با رای گیری این کار صورت بگیرد، از اسـاس مورد پذیرش نیسـت. چراکه برای این تصمیم از ابتدا از سـوی لی لی، شـرطی برای رضایت همه اهالی شـهر تعیین نشـده بـود. اینکه چرا و با چه دلایلی انتقام گیری شـخصی به رای‌گیری جمعی پایان فیلم منجر می‌شود، از دیگر سوالاتی است که فیلم پاسخی برای آنها به مخاطـب ارائه نمی‌کند. آنچه اینجا با نگاه انتقادی قصد بیان آن را دارد، اتکای به آرای عمومی اسـت. اینکه همیشه نمی‌توان آرای عمومی را دلیل بر صحت آن دانست و به آن افتخار کرد. به نظر می‌رسـد کل فیلم برای این سکانسی اسـت که قرار بوده تاثیر گذار و سرنوشت‌ساز باشـد که عملا این سکانس هیچ نسـبتی با کل اثر برقرار نمی‌کند. ضمن اینکه مردم همزمان که انگشت تایید خود را بر این تصمیم می‌زنند، فریاد گریه و لابه‌شان بلند اسـت و انگار از خود خجالت می‌کشند و از تصمیم خود شرمسـارند. در اینجاسـت کـه امیر با صلابت در قامت یک قهرمانی که زخم خورده تصمیم اشتباه مردم است، ظاهر می‌شـود. افتخار او بر ظلمی که روا داشته و گریه مردم بر تصمیمی کـه گرفته‌اند، قابل درک نیسـت. در متن اصلی مـردم نه تنها شرمسار نیستند بلکه آن را با برقراری عدالت و ریشه‌کن شدن جرم و جنایت یکی می‌دانند. در اینجا گویا قرار اسـت آرای مردمی مورد انتقـاد قرار گیرد و نگاهی تردیدآمیز به اصل دموکراسی انداخته شود.

نکتـه دیگر، تاکید بسـیار زیـاد فیلم بر قهرمان بودن امیر اسـت. به جز اینکه او در حادثه معدن جان چند نفر از اهالی شـهر را نجـات داده، اطلاعات دیگـری مبنی بر این ویژگی او مطرح نمی‌شـود. در حالیکه تاکید بسـیار بر قهرمان بودن او و نحـوه برخورد مردم در پایان فیلم، اساسـا قرار اسـت درام «بی همه چیز» را بسازد. در کنار این نکات، انتخـاب بازیگری میان‌سـال و جذاب برای بانوی سالخورده متن دورنمات هم بی منطق است. بانوی دورنمات، زنی قدرتمند و متمول اسـت که نه تنها چیزی برای از دست دادن ندارد و دارایی‌اش در سـال‌های آخر عمر بی اهمیت محسوب می‌شود، بلکه انتقام‌گیری او با تصویری که دورنمات از کلرزا خاناسـیان می‌سازد، کاملا سـازگاری دارد. در اینجا به نظر می‌رسد برای جذب مخاطب این ویژگی اساسی شـخصیت اصلی فیلم نادیده گرفته شده و بازیگری جذاب برای این نقش انتخاب شده که با منطق کلی متن هم راستا نیست.

در کل فیلـم، کودکـی معلـول نظاره‌گر کشـمکش میان مردم و امیر است. در پایان هم تنها اوسـت که مخالفت خـود را اعلام می‌کند.

امـا عملا نه تنها حضـورش کارکردی در روایـت فیلم نـدارد، بلکه حتـی مخالفتش هم بی معنی اسـت چرا که کسـی از او نظر نمی‌خواهد و نظـرش هم تاثیر در اتفاقی که جمع بر آن مهر تایید زده است، ندارد.

اخبار کوتاه

«آه و دَم» کاظم رضا رسید

مجموعه داسـتان «آه و دَم» نوشته کاظم رضا منتشر شد. به گزارش ایسـنا، این کتاب که پس از «هما»، نخسـتین داستانی اسـت که در سال ۱۳۹۵ از کاظـم رضا به بازار کتاب آمد، مجموعه پنج داستان از این نویسنده فقید است که توسط انتشارات رُشدیه منتشر شده است. ناشر درباره مجموعه داستان «آه و دَم» نوشته است: «این مجموعه دومین کتابی است که کاظم رضا در زمان حیات خود برای انتشار آماده کرده بود و قصد داشـت به‌عنوان دومین مجموعه داستان پس از «هما» منتشـر کند. با این همه، درگذشت ناگهانیِ او مجال نداد تا خود شاهد انتشار این اثر باشـد. اما آن‌چه درباره «آه و دَم» حائز اهمیت اسـت، ترتیب و توالی داستان‌هاسـت که تمام‌شان به خواست و سـلیقه کاظم رضاست و ناشر حتی در ویرایش‌هایی مانند اعراب‌گذاری و سجاوندی، کمترین تغییری صورت نداده است. همچنین طرح زیبای جلد این مجموعه، اثر هنرمند یگانه، علی گلستانه است که درگذشت او در پاییز امسال، فقدانی برای جامعه هنری و تجسمی ایران بـود. در غیاب این دو هنرمند، آن‌چه اکنـون پیش روی مخاطبان قرار گرفته، بی‌گمان حیاتِ اثر و خاطره زنده هنرمندانی اسـت که همواره ادامه می‌یابد.» علاوه بر «آه و دَم»، از مجموعه دفترهای داستان رُشدیه، چاپ دوم کتاب «هما» نوشته کاظم رضا و همچنین «ملک آسیاب» نوشته غزاله علیزاده نیز منتشر شده و در دسترس دوستداران ادبیات داستانی قرار گرفته است.

علیرضا خمسه به «شب های مافیا» رفت

ساخت سری چهارم برنامه «شب های مافیا» به کارگردانی سـعید ابوطالـب برای پخش از شـبکه نمایش خانگی آغاز شـده است. به گزارش ایسنا، محمدرضا علیمردانی پس از یک دوره غیبـت، دوباره روی صندلی گردانندگی «شبهای مافیا» می‌نشیند و از بین چهره هایی که مقابل او مافیا بازی می‌کنند، تاکنون حضور علیرضا خمسه اعلام رسمی شده است. علیرضا خمسـه پیش از این با «شام ایرانی» حضور در رئالیتی شو را تجربه کرده بود و حالا خود را با «شب های مافیا» در قامت مافیا یا شهروند محک می‌زند. فصل اول سری چهارم «شبهای مافیا» به کارگردانی و تهیه کنندگی سعید ابوطالب با تکمیل شرکت کنندگان آن به زودی مقابل دوربین می‌رود.

درگذشت هنرمندی که با پلاستیک هنر آفرید

دووین ولنتاین، مجسمه‌سـاز مطرح آمریکایی که از بنیان‌گذاران استفاده از پلاسـتیک برای خلق آثار هنری بود، در سن ۸۶ سالگی درگذشت. به گزارش ایرنا از مجله آرت نیوز، دووین ولنتاین (De Wain Valentine) که از پیـروان جنبش نور و فضا و از جمله نخستین هنرمندانی بود که از پلاسـتیک به عنوان ابزاری برای خلق آثار هنری استفاده کرد، بر اثر بیماری از دنیا رفت. ولنتاین یکی از اعضای گروه هنرمندان کالیفرنیای جنوبی بود که در دهه ۱۹۶۰ میلادی از ابزارهای صنعتی برای اهداف متعالی و مینیمال استفاده می‌کردند. هدف رسـمی این مجسمه سـاز آمریکایی این بود که با استفاده از پلاستیک انواع جدیدی از ادراک بصری را در مخاطب برانگیزد.

«نگاه سینما به بیمارهای بشر در تاریخ» کتاب می‌شود

عبدالحسـین لاله در کتاب «نگاه سینما به بیمارهای بشر در تاریخ» به معرفی فیلم و تحلیل پیش‌بینی‌ها در این زمینه می‌پـردازد. این نویسنده و مترجم که مشغول نگارش کتاب «نگاه سـینما به بیمارهای بشـر در تاریخ» اسـت به هنرآنلاین گفت: از زمانی که ویروس کرونا شیوع پیدا کرد تصمیم گرفتم این کتاب تحقیقی و پژوهشی را در حوزه سینما بنویسم و یادداشت‌نویسی آن به‌زودی تمام می‌شود. لاله با این توضیح که قدرت سینما در پیش‌بینی، بیماری‌ها را نشـان داده و ریشـه‌یابی کرده، افزود: در این کتاب می‌گویم رسـانه سـینما از چه قدرتی برخوردار است که می‌تواند بیماری‌های بشـر را پیش‌بینی کند و دلیل آن چیست؟ آیا سینمای جادو است یا یک‌سری تکنیک‌های ارتباطی دارد که از آن‌ها اسـتفاده می‌کند؟ نمونه فیلم‌ها هم ارائه می‌شود مانند فیلم World War Z «جنگ جهانی زد»، که حدود ۵ سال قبل از کرونا سـاخته شده ولی ۸۰ درصد مشابه وضعیتی است که در جوامع پس از اپیدمی ویروس کرونا اتفاق افتاد. «نگاه سـینما به بیمارهای بشر در تاریخ» به معرفی فیلم‌ها و تحلیل جوامع در این باره اختصاص دارد. او درباره تصحیح کتاب «جامع التواریخ حسنی» نوشته شـهاب‌الدین حسن یزدی که توسط موسسه تالیف، ترجمه و نشـر آثار هنری متن منتشر شـده، اظهارداشت: این کتاب را بلنت اوزقوزو گودنلی گردآوری کرده اسـت. خوانشی از حوادث دوره سلجوقی است و منابع مرتبط با سـلجوقیان مانند «سلوجق‌نامه» که امروزه اثری از آن نیسـت. نویسنده با بهره بردن از منابع تاریخی و مشاهداتش سعی کرده تاریخ سلجوقیان را بنویسد.

گودنلی زمانی که دانشجوی دکترا بوده این مطالب را جمع‌آوری و تحلیل کرده است. تصحیح نیز براساس دو نسخه صورت گرفته یکی نسخ خطی تاریخی که در کتابخانه سلیمانیه استانبول بود و نسخه‌ای که در کتابخانه ملی ایران موجود است. این دو کتاب را بررسی و با دیگر آثار تاریخی تطبیق داده‌ام که اثر بسیار مهمی از دوره سلجوقیان محسوب می‌شود.

گرامشی و دریابندری در «کتاب امروز»

شماره چهارم مجله نقد کتاب «کتاب امروز» در زمستان ۱۴۰۰ منتشر شد. به گزارش ایسـنا، در معرفی این شماره عنوان شده است: داستان جلد این شماره به آنتونیو گرامشـی، متفکر ایتالیایی اختصاص دارد. مناسبتِ پرداختن به او در شماره چهارم انتشار کتاب «دفترهای زندان» او با ترجمه حسن مرتضوی است. به جز مقاله‌ای مفصل درباره زندگی فکری گرامشی به قلم سردبیر، در این شماره گفت‌وگویی با کمال اطهاری هم درباره نسبت ایران و گرامشی منتشر شده است. «کتاب امروز» در هر شـماره خود پرونده‌ای درباره یکی از شخصیت‌های مهم انتشارات فرانکلین یا علمی و فرهنگی منتشر می‌کند و در این شماره نیز نوبت به نجف دریابندری رسیده است.

دریابندری به مدت ۱۵ سـال سـردبیر ارشد انتشـارات فرانکلین بود. در این شـماره به جز گزارشی زندگی‌نامه‌ای به قلم سـیاوش طالبیان، آرزو شهباری هم گفت‌وگویی با رضا رضایی کرده اسـت؛ مترجمی شناخته‌شده و کسی که سال‌هاست در زمینه ترجمه صاحب‌نظری متخصص و دقیق است.

همچنین بخش عمده‌ای از کتاب امروز شماره زمستان ۱۴۰۰ به مرور کتاب‌های تازه‌منتشرشـده اختصاص دارد. مهم‌ترین کتاب‌هایی که در این شماره بررسی شده‌اند عبارت‌اند از «خداپرستان سوسیالیست» نوشته محمدحسین خسروپناه، «سفر شهرزاد» نوشته فاطمه مرنیسی و «پاپشاه» نوشته دیوید ای. کرتز. بخش ادبیات این شـماره کتاب امروز هم پُروپیمان‌تر از شـماره‌های قبل است و سه رمان مهم تازه‌منتشرشـده در آن بررسی شده است: خوابگردهای هرمان بروخ، اصلاحات نوشته جاناتان فرنزن و روز ملخ اثر ناتانیل وست. در بخش کتاب‌های انگلیسی، علی قلی‌پور کتاب «سینمای عامه‌پسند ایران پیش از انقلاب: خانواده و ملت در فیلمفارسـی» نگارشِ پدرام پرتوی را بررسـی کرده است. همچنین کتاب تازه توماس پیکتی به نام «سرمایه و ایدئولوژی» و کتاب «توماس پیکتی: نقد واهی سرمایه» نوشته آلن بِر و میشل اوسن در نقد کارهای پیکتی، معرفی شده‌اند.

در بخش درگذشتگان این مجله، سیدمحمدمهدی خویی، استاد جامعه‌شناسی دانشـگاه علامه طباطبایی، در سالگرد درگذشـت هاله لاجوردی، پروژه فکری این استاد درگذشـته و پروژه مطالعات فرهنگی در ایران را بررسی کرده است. امیر آزاد هم به مناسبت درگذشت حبیب لاجوردی، مدیر پروژه تاریخ شفاهی هاروارد، کلیت این پروژه را مرور و پیشنهادهایی برای ارتقا و تمرکز فعالیت‌های موجود در زمینه تاریخ شفاهی عرضه کرده است.